**بسم الله الرّحمن الرّحیم**

**چه دلیل آبجکتیو و عقیل وجود دارد که یک انسان 12۰۰ سال غیب شده و در عین حال، زنده مانده**

**است؟**

یکی دیگر از سؤالاتی که مطرح می کنند این است که عقیده به مهدویت یک عقیده Objective نیست . یعنی عقیده ای که بر مبنای روش تجربی و منطق تجربی و Empirical بشر آیا می توانیم ما عقیده مهدویت شیعی را توضیح دهیم ؟

در آن صورت ما امامی را که امام غائب از بدو تولد یا لااقل از آغاز امامت او را ندیده اند و با او برخوردی نداشته اند یک هچین امام غیرقابل ملموس و محسوسی آیا می تواند بعد Objective و Empirical برای منطق تجربی امروز بشر یا اینکه صرف یک عقیده درون دینی داشته باشد ؟

ما چه بیانی از غیبت امام زمان علیه السلام و امام غائب داشته باشیم برای مخاطبی که او فرهنگ و منطقش، یک منطق تجربی است ؟ یعنی آیا این اعتقاد صرفاً بر پایه عقاید مذهبی قابل تبیین است ؟ یا ما می توانیم این را با پایه های منطق تجربی انسان امروز این عقیده را تبیین کنیم ؟

در مقام جواب این طور می گوئیم :

**اولاً :** از نظر فلسفه علم تنها روش معتبر روش تجربی است . روش تجربی یکی از روشهای معتبر و قابل اعتماد در فکر انسان امروز است . کسی که تصور کند تنها روش معتبر تجربی است و هر چی غیر تجربی باشد یعنی خرافی است ، این تفکر ، تفکر افراطی است . یعنی روش تجربی که دیوید هیوم 1 انگلیسی به آن معتقد است که همه چیز را اول تجربی می کند و بعد به آن معتقد می شود این مسأله یا در عقیده مکتب پوزیتیویسم2 منطقی ، در مکتب فلسفه حلقه وین 3 (Vienna Circle) ، مکتب فلسفی فیزیکالیسم 4 که جزء امر تجربی

1- دیوید هیوم (به انگلیسی: David Hume)‏ (زاده ۷ مه ۱۷۱۱ – درگذشته ۲۵ اوت ۱۷۷۶) از فیلسوفان اسکاتلندی و از پیشروان مکتب تجربه‌گرایی بود. تقریباً همه فیلسوفان بر این نکته اتفاق نظر دارند که او بزرگ‌ترین فیلسوف تاریخ بریتانیا و مکتب تجربه‌گرایی بوده‌است. وی زمانی که به الحاد متهم شد گفت: باید بگویم که کفر خود را می‌پذیرم.[۱] او بر کانت تأثیر بسیاری گذاشت؛ و این جملهٔ کانت معروف است که: هیوم من را از خواب دُگماتیسم بیدار کرد.

2- پوزیتیویسم اصطلاحی فلسفی است که بر اساس آن، تنها روش معتبر تحقیق و شناخت، روش علمی تجربی دانسته می‌شود. روشی که بر پایه تجربه است.اولین بار در تاریخ علوم، این اصطلاح را آگوست کنت فیلسوف و جامعه‌شناسی فرانسوی به کار برد.

3- حلقه وین (به انگلیسی: Vienna Circle) گروهی از فیلسوفان، دانشمندان و ریاضیدانانی بودند که در دهه‌های دوم و سوم قرن بیستم در وین جلساتی را با هدایت موریس شلیک برای بحث‌های فلسفی برگزار می‌کردند. نگرش فلسفی آنان، که پوزیتیویسم منطقی خوانده می‌شود، نوعی از تجربه گرایی است که ممیزه آن اصل تحقیق پذیری است. این دیدگاه با بکار گرفتن منطق نوین در جهت تحلیلی منطقی تغییر مسیر داد.

4- فیزیکالیسم یا جسمانی‌انگاری[۱] یا فیزیکی‌انگاری[۱] (به فرانسوی: Physicalisme) یک نظریه فلسفی است که بر این باور است هر چیزی که وجود دارد قابل تقلیل به خواص فیزیکی است؛ یعنی هیچ چیزی به جز چیزهای فیزیکی وجود ندارد.[۲] این واژه توسط اتو نویرات در یک سری از مقالات دربارهٔ اشیا فیزیکی در اوایل قرن بیستم به این صورت استفاده شد:«بر اساس فیزیکالیسم، زبان فیزیک زبان جهانی علم است و درنتیجه، هر گونه دانستنی را می‌توان به شکل اظهاراتی دربارهٔ اشیاء فیزیکی بیان کرد.

هیچ عنوان دیگری را برایش ارزش و اهمیت و حتّی معنا قائل نیستند ، یعنی معناداری را از تجربی بودن استخراج می کنند ، اینها افراط در کلام است . از نظر منطق علمی این حرفها امروزه برای بشر قابل قبول نیست . دیگر دوره این حرفها گذشته چون مسلّم و قطعی است که اگر ما بخواهیم اعتبار تجربه Validity)) را اثبات کنیم ، اعتبار تجربه نمی تواند تجربی باشد . چرا ؟ به جهت اینکه درّ می شود و درّ از جهت منطقی غلط است .

اعتبار تجربه باید بر یک امر غیر تجربی باشد . اگر اعتبار تجربه مبتنی بر امر غیرتجربی نباشد که دیگر از نظر منطقی درست نخواهد بود . لذا این که ما تنها روش صحیح را منحصر در تجربی بودن کنیم ، این افراط در نظریه است و خود این سخن قابل نقد است . بنابراین Objectivity که در متن سؤال آمده ، یکی از روشهای اثبات صحّت و اعتبار یک سخن است . کل روشهای معتبر در Empirical بودن و در تجربی بودن ، منحصر نمی شود .

یعنی تجربی بودن یکی از روشهای اعتبار منطقی ، بحث غیر تجربی ولی فلسفی . می تواند صحیح باشد . تجربه نفسی و شهود نفسانی در عرفان می تواند صحیح باشد . در کشف ( Intuition) می تواند صحیح باشد.

بنابراین ما همه مباحث را بر Objectivity خلاصه کنیم ، این یک نوعی مضیقه در منطق است . منطق صحیح باید وسیع تر از آن نگریسته شود . یعنی همه جهان در تجربه خلاصه نمی شود .

**ثانیاً :** امّا پایه های Objective مهدویت چیست ؟ آیا اعتقاد به مهدویت صرف یک اعتقاد درون دینی و مذهبی است ؟

یک گوینده دیگری در سخن خودش گفته بود وجود حضرت موسی علیه السلام یک وجود تاریخی است . تولد ، وفات ، امت ، تاریخ دارد . از او گزارش کرده اند ، سخنان ، اندیشه ها ، حوادث دارد . کتابها از زندگانی ایشان بسیار است . همینطور در مورد حضرت عیسی ، حضرت داوود ، حضرت ایوب ،امام علی و امام صادق علیهما السلام همینطور ولی امام مهدی علیه السلام اثبات تاریخی ندارد بلکه اثباتش اثبات نقلی است !

اینطور نیست . یعنی به همان دلیلی که ما می توانیم به حضرت موسی علیه السلام معتقد شویم ، به همان دلیلی که برای حضرت امام صادق علیه السلام وجود تاریخی و Objective قائلیم ، برای امام زمان علیه السلام هم می توانیم قائل بشویم و باید قائل شویم . چرا ؟

امام زمان علیه السلام متولد سال 255 صبح جمعه 15 شعبان در سامراء بودند . این را تواریخ نقل کرده اند . تولد ما را چه کسی ثبت می کند ؟ تولد ما را امضاء پدر و امضاء قابله در بیمارستان تأئید می کند . هر کسی به همین شکل است . تولد امام زمان علیه السلام که در کتابها آمده است ، نامه و شهادت پدر آن حضرت به اینکه فرزند من متولد شد و قابله آن حضرت ، جناب حکیمه ، دختر امام جواد علیه السلام که در آنجا حضور

داشته اند و ایشان ثبت کرده است به همان دلیلی که ما متولد هستیم و شناسنامه داریم ، صاحب الزمان هم متولد است و تولد ایشان یک بعد Objective و تاریخی دارد .

بسیاری از عرفای اهل سنّت ، علیرغم اینکه اینها شیعه هم نیستند و جزئیاتی از عقیده مهدویتشان با ما متفاوت است در کتابهایشان ، تولد امام مهدی علیه السلام را ثبت کرده اند . مانند نورالدین عبدالرحمن جامی عارف بزرگ که این همه کتاب و آثار هم در مسأله عرفان دارد . مانند حواجه پارسا ، عارف بزرگ مکتب تصوّف کبرویه در ایران . جالب اینجاست که یک دانشمند اهل سنّت به نام خُنجی کتابی دارد در ردّ علامه حلّی در بحث امامت تحت عنوان ابطال الباطل ، خنج منطقه ای نزدیک شیراز است . این دانشمند بزرگ قرن دهم اهل سنّت که کتاب علیه علامه حلّی دارد یعنی اینقدر ضد شیعه بوده است ، ایشان کتاب دیگری دارد که این کتاب چاپ شده است و آقای رسول جعفریان آن را تصحیح و چاپ کرده اند به نام وَسیلَةُ الْخادِم إلَی الْمَخْدوم1 قصیده ای در توصیف تک تک چهارده معصوم علیهم السلام گفته اند . ایشان صبر نکرده اند که بعدها افراد بیایند و در تاریخ قصیده ایشان را ترجمه و شرح کنند . خودش هم این قصیده را سروده و خودش بر این قصیده شرح نوشته است .

در فصل دوازدهم که اشعار در وصف صاحب الزمان علیه السلام است و در مقام شرح ، کسی که در ردّ علامه حلّی و امامت کتاب نوشته است ، شرح تولد حضرت مهدی علیه السلام و حضور حکیمه خاتون مفصّل داستان را نقل کرده است و بعد هم در شوق دیدار امام زمان اشعاری در آنجا سروده است . اعتقاد به امام زمان متولد در سال 255 اختصاصی به ما شیعه ندارد . بنابراین یک بحث Objective و یک بحث تاریخی است Document دارد . صرف عقیده درون مذهبی نیست که فقط بگوئیم من و شمائی که معتقد به این هستیم می توانیم معتقد باشیم .

سند دوم برای این مسأله این است که امام زمان علیه السلام را علیرغم شرایط سخت آن دوران که در تاریخ گفته اند که شبیه شرائط تولد حضرت موسی و حضرت ابراهیم علیهما السلام است . از آن جهت که پادشاه زمان روی خوابی که دیده بود ، میخواست حضرت موسی علیه السلام را بکشد . لذا ایشان مخفیانه زاده شد .

1-وَسیلَةُ الْخادِم إلَی الْمَخْدوم در شرح صلوات چهارده معصوم(ع) اثر فضل بن روزبهان خُنجی، عالم اهل سنت قرن نهم و دهم هجری است. ابن روزبهان، کتاب را با موضوع صلوات آغاز کرده و مباحث بعدی را در شرح حال چهارده معصوم نگاشته است. او به مطالب مربوط به شرح حال و زندگی رسول اکرم(ص) و امام زمان(عج) تفصیل بیشتری داده و در پایان، پیرامون تولی و تبری سخن گفته است. وی در شرح صلوات، از مطالب اختلافی سخن نگفته و خلفای مورد احترام خود را هم متعرض نشده است.

حضرت مهدی علیه السلام هم در کتب حدیث و در کتب تاریخ این نکته ، در شباهت ایشان با حضرت موسی و حضرت ابراهیم علیهما السلام نقل شده است که تولد ایشان مخفیانه خواهد بود . والاّ معتمد ، خلیفه عباسی

ایشان را می کشت . لذا با انواع و اقسام روش ها ، به منزل ایشان بازرس می فرستاد که زن های داخل منزل را مورد بررسی قرار دهند که اگر باردار هستند تحت نظر بگیرند ، اگر بچه ای متولد شده است ، را سر به نیست کنند . در این شرائط حضرت مهدی علیه السلام متولد شدند . بنابراین دلیل خفاء تولد ایشان و به دنبال آن این شرائط سیاسی است که وجود داشته است .

در همین شرائط افراد زیادی در ایام کودکی آن حضرت و در ایام حیات امام عسکری علیه السلام در منزل آن حضرت ، حضرت مهدی علیه السلام را دیده اند . در تاریخ نقل کرده اند رفتم منزل حضرت عسکری علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام را در آنجا دیدم . با ایشان سخن گفتم ، سؤال کردم به سؤال من ایشان پاسخ دادند . هفتاد نمونه از این ها گفته اند . مرحوم سید هاشم بحرانی نویسندة دانشمند تفسیر برهان ، در کتاب خودش که به فارسی تحت عنوان روزنه ای به خورشید ترجمه شده است ، هفتاد نمونه این دیدار را نقل کرده است .

**ثالثاً :** در کتابها آمده اند فرمایشات ، رهنمودها و سخنان امام مهدی علیه السلام را گردآوری کردند . این شخصیت افراد را هدایت کرده است . رهنمود ها و دستورها و اوامری صادر کرده است در کتابها آمده است . اول دانشمندی که در کتاب خودش عنوان برای فرمایشات حضرت مهدی علیه السلام گذاشته است ، مرحوم شیخ صدوق ، متوفی 381 در کتاب کمال الدین است . فاصله تألیف کتاب کمال الدین تا میلاد حضرت مهدی علیه السلام ، 100سال یعنی یک قرن است . یعنی از نظر تاریخی هر چقدر سند به زمان وقوع حادثه نزدیک تر باشد ، آن سند معتبر تر است . بنده از یک کتابی یاد می کنم که فقط صد سال فاصله دارد .سال 350 زمان تألیف این کتاب است و تولد امام مهدی علیه السلام سال 255 است .

ایشان باب توقیعات در کتاب کمال الدین آورده است . فرمایشات ایشان را جمع کرده است . مرحوم طبرسی در کتاب الاحتجاج شخصیت دومی است که توقیعات امام زمان علیه السلام و فرمایشان ایشان را جمع کرده است . دانشمندان معاصر کلمة الامام مهدی نوشته اند . چهارصد صفحه ، حجم کتاب فرمایشات امام مهدی علیه السلام است . کسی که اینهمه مطلب ، بیان نامه ، دستور و پیام دارد ، یک شخصیت خرافی است ؟

این Objectivity نیست بنابراین چه چیزی Objectivity است ؟ در واقع شخصیت امام مهدی علیه السلام به دلیل شرائط سیاسی دوران ، شبیه رهبران اجتماعی فراری است . آیا به دلیل فراری بودن و به دلیل اینکه شرائط اجازه نمی دهد که آنها حضور در جوامع به طور رسمی و علنی داشته باشند این مانع اعتقاد به تاریخی بودن شخصیت آنهاست ؟

مسأله به این صورت است لذا امام غائب علیه السلام با این شواهدی که عرض کردیم ، عقیده مهدویت را به یک عقیده Objective ، به یک عقیده تاریخی تبدیل می کند در حالی که استدلالات درون دینی و قرآنی و روائی مسأله هم در جای خودش معتبر و موجود است .

ن

پ